

## بحران سیاسی عراق و ضرورت تغییر



جنبش توده‌های زحمتکش مردم عراق با گذشت نزدیک به ۴ ماه با قدرت ادامه دارد. میدان تحریر در بغداد همچنان مرکز تجمع شبانه روزی معترضان است. اعتصاب در اغلب شهرها همراه با تظاهرات و سنگربندی‌های خیابانی، بستن جاده‌ها، درگیری با نیروهای نظامی سرکوب رسمی دولتی، یا شبه نظامیان اسلام‌گرای وابسته به جمهوری اسلامی، اخبار روزانه این جنبش را تشکیل می‌دهند. تعداد مردمی که در این مدت توسط مزدوران دولتی و شبه نظامیان اسلام‌گرای شیعه به قتل رسیده‌اند، از پانصد تن نیز تجاوز کرده است. تعداد مصدومین بالغ بر ۲۵ هزار تن می‌شود. در هفته‌ای که گذشت لاقال ۱۰ تن به قتل رسیدند. روز جمعه هفته گذشته نیز در نتیجه تیراندازی از درون یک خودرو به معترضان در میدان تحریر، یک نفر کشته و ۷ تن زخمی شدند. اما تمام این وحشی‌گری دار و دسته‌های حاکم بر عراق، نتوانسته کمترین خللی در عزم و اراده این مردم مبارز ایجاد کند.

مطالبات توده‌های زحمتکش عراق، مجموعه‌ای از مطالبات اقتصادی و سیاسی است. در حالی که با افزایش صدور نفت به حدود ۴ میلیون بشکه در روز و افزایش بهای آن، درآمد سالانه عراق از فروش نفت به صد میلیارد دلار رسیده است، حدود ۱۴ میلیون تن از مردم عراق بیکارند. طبق آمار رسمی، در حال حاضر، حدود ۶ / ۲۲ درصد مردان و ۸۰ درصد از زنان عراقی بیکار هستند. میلیون‌ها خانوار با فقر و گرسنگی زندگی می‌کنند. آمارهای بانک جهانی نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از کودکان در استان‌های جنوبی فقیر هستند و نرخ فقر در مناطق آزاد شده از دست داعش، ۲ / ۴۱ درصد، در مناطق جنوبی ۳۰ درصد، در مرکز کشور

در صفحه ۲

## بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۱۹ بهمن سالگرد نبرد حماسی سیاهکل

چهل و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل را  
باتشدید مبارزه علیه نظم موجود،  
تدارک اعتصاب سیاسی و قیام مسلحانه سراسری گرامی بداریم

در صفحه ۳

## کابینه روحانی و فاجعه خصوصی‌سازی در لایحه بودجه ۹۹

فقر هر چه بیشتر کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان جامعه را به همراه نخواهد داشت. اما یک نمونه دیگر که شاید نسبت به دو مورد بالا کمتر برای همگان اهمیت آن آشکار است و ما در این مقاله بر روی آن انگشت گذاشته‌ایم موضوع خصوصی‌سازی و به عبارت دیگر فروش اموال کارگران و زحمتکشان و به ضرر آن‌ها براساس لایحه بودجه سال ۹۹ است.

ابتدا به این سوال پاسخ دهیم که چرا

در صفحه ۱۰

جمهوری اسلامی که با بحران بزرگ مالی روبروست، مصمم است این بحران را بر شانه‌های کارگران و زحمتکشان آوار سازد. یک نمونه آن افزایش مالیات بر روی بسیاری از کالاها مانند سیگار در لایحه بودجه سال ۹۹ است که به طور مستقیم سفره‌های خالی کارگران و زحمتکشان را نشانه رفته است. یک نمونه دیگر افزایش تنها ۱۵ درصد حقوق براساس لایحه بودجه ۹۹ است، آن‌هم در حالی که تورم رسمی حدود ۴۰ درصد و تورم واقعی بیش از ۵۰ درصد است که این اقدام دولت نتیجه‌ای جز

## "من بر سر این سفره خونین نمی‌نشینم"

سیر تغییر و تحولات در اوضاع جامعه کنونی ما و روی آوری لایه‌های مختلف توده‌های مردم ایران به عرصه مبارزات سیاسی آنچنان شتاب گرفته است، که وقوع هر یک از این تغییر و تحولات در یک شرایط عادی چه بسا در سال و حتی چندین سال هم نمی‌گنجند. این سیر پرشتاب تحولات، تماماً متأثر از فضای انقلابی موجود است که کل کشور را فرا گرفته است. فضایی که در پی خیزش انقلابی جوانان مسلح‌شور و توده‌های زحمتکش مردم ایران در دیماه ۹۶ با ایجاد یک دوران انقلابی شتاب گرفت و پس از آن، با وقوع قیام پنج روزه جوانان، زنان، دانشجویان و عموم توده‌های سرکوب شده مردم ایران در آبان ماه ۹۸، با عمق و اعتدالی بیشتری در متن تحولات جامعه تجلی یافته است.

دریای خونی که جمهوری اسلامی با کشتار ۱۵۰۰ نفر و بازداشت بیش از ۱۰ هزار نفر از توده‌های معترض در آبان ماه به راه انداخت و پیامد آن سرنگون شدن هواپیمای مسافربری اوکراینی با ۱۷۶ خدمه و سرنشین توسط پدافند هوایی سپاه پاسداران، تأثیر شگرفی بر اوضاع سیاسی و سرعت بخشیدن

در صفحه ۵

گزارش کوتاه از اکسیون‌های اعتراضی در  
آمستردام (هلند)، استکهلم (سوئد)،  
کپنهاک (دانمارک) و هامبورگ (آلمان)

در صفحه ۷

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## بحران سیاسی عراق و ضرورت تغییر



در منطقه جرف الصخر قتل عام به راه انداختند. مرتجعین حاکم بر عراق در طول چند ماه گذشته کوشیده‌اند با سرکوب و کشتار و نیز وعده و وعید جنبش را فرسوده و مجدداً بر اوضاع مسلط شوند، اما تاکنون موفق نشده‌اند. برعکس، مردم معترض توانسته‌اند نخست وزیر عبدالمهدی را وادار به استعفا کنند. او حدود ۲ ماه پیش استعفا کرد. اما مرتجعین فرقه‌گرا همچنان در برابر خواست مردم مقاومت می‌کنند. در عین حال در درون خود آن‌ها نیز اختلاف و کشمکش در جریان است و نتوانسته‌اند به توافق بر سر جایگزینی برای نخست وزیر مستعفی برسند.

بنابراین از آنجایی که پاسخی به خواست‌های معترضان داده نشد، مردم بصره در ماه ژانویه مهلت یک هفته‌ای به رئیس جمهور دادند و گفتند اگر تا تاریخ ۱۹ ژانویه نخست وزیر مورد نظر آن‌ها انتخاب نشود، مبارزات تشدید خواهد شد. از آنجایی که این مهلت به پایان رسید و پاسخی داده نشد، مردم بصره فراخوان یک اعتصاب سرتاسری را صادر کردند و در پی آن اعتراضات گسترده‌ای در بغداد و بصره، کربلا، نجف، دیوانیه، کوت، و عماره رخ داد. مراکز آموزشی و ادارات تعطیل شدند. جوانان معترض خیابان‌ها و جاده‌های ارتباطی چندین شهر را بستند. در خیابان‌ها و جاده‌ها با برافروختن آتش مانع ایجاد کردند. درهای ادارات دولتی را با دستگاه جوش بستند، مراکز برخی گروه‌های اسلامگرای شیعه را به آتش کشیدند.

به گزارش ایسنا، روز چهارشنبه ۲ بهمن عراقی‌های معترض با وجود شرایط بد آب و هوایی، دایره تظاهرات خود در بغداد، پایتخت این کشور را گسترش دادند و برای سومین روز پیاپی کنترل اتوبان محمد القاسم را در دست گرفتند. معترضان استان نجف نیز بزرگراه بین‌المللی نجف-کربلا را مسدود کردند. در استان واسط نیز تظاهرکنندگان با ایجاد موانعی، مسیر ارتباطی دو استان واسط و بغداد را بستند. همچنین در جنوبی‌ترین نقطه عراق نیز، معترضان مسیر ارتباطی خور الزبیر-ام قصر را مسدود کردند. در این چند روز درگیری‌ها با نیروهای امنیتی نیز افزایش یافت. گزارش‌هایی از پیوستن مردم شهرهای تکریت، رمادی، فلوچه و موصل نیز به موج اعتراض‌ها انتشار یافته است.

طبق گزارش کمیساریای حقوق بشر عراق در

که در طی ۱۶ سال حکومت بر ما دست‌آوردی نداشت. ما جاده‌ها را برای بدست آوردن حقوق‌مان، حق جوانان به کار می‌بندیم. این‌ها بهترین نسل عراقی‌ها هستند، چرا که ما نه برای حال بلکه برای آینده مبارزه می‌کنیم. تصور نکنید که ما متوقف خواهیم شد. ما از همه چیز رنجیده و آزرده خاطریم. ما اینجا را ترک نخواهیم کرد. خیال مهاجرت نداریم و به خانه‌های خود باز نمی‌گردیم. آن‌ها می‌گویند که اینجا را ترک نمی‌کنیم چون بیم‌داریم توسط میلشایی طرفدار ایران ربوده شویم یا به قتل برسیم.

مبارزان عراقی خواستار برگزاری انتخابات زودهنگام بر اساس اصلاح قانون انتخابات، تعیین کمیته مستقل جدید برای نظارت بر انتخابات و سپس انتخابات زودرس زیر نظر سازمان ملل هستند. آنها می‌خواهند که نخست‌وزیر جدیدی بدون هرگونه وابستگی به باندهای حاکم جایگزین عادل عبدالمهدی مستعفی شود که روند تغییرات خواسته شده را برای دگرگونی نظم سیاسی و اقتصادی و محاکمه دزدان و غارتگران عملی سازد. این جنبش، جمهوری اسلامی ایران را عامل به بند کشیدن مردم عراق می‌داند و خواستار قطع شدن دست جمهوری اسلامی از عراق و برچیده شدن بساط شبه نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی ایران است. عمق نفرت این جنبش از جمهوری اسلامی در دوبار به آتش کشیدن کنسولگری‌های آن خود را نشان داد. اخیراً نیز جنبش وسیعی در عراق برای تحریم کالاهای ایرانی به راه افتاده است. اما چرا نفرت مردم عراق اکنون از جمهوری اسلامی به مراتب بیش از دولت آمریکا است که با اشغال نظامی عراق باعث و بانی این همه بدبختی برای مردم این کشور گردید.

به این علت که مردم عراق، جمهوری اسلامی ایران را همدست دولت عراق در فقر و بدبختی خود و فساد و دزدی طبقه حاکم می‌دانند. آنها گروه‌های اسلامگرای را تابع جمهوری اسلامی می‌دانند که می‌خواهند یک دولت مذهبی شبیه دولت دینی حاکم بر ایران در عراق برپا کنند. آن‌ها جمهوری اسلامی را سازمانده گروه‌های تروریست و آدم کشی امثال حشدالشعبی می‌دانند که فعالان جنبش را در خیابان‌ها ترور می‌کنند یا از خانه‌هایشان می‌ربایند و به قتل می‌رسانند. اما این فقط مردم مبارز شهرهای به اصطلاح شیعه نشین نیستند که علیه جمهوری اسلامی اند. نفرت مردم مناطق موسوم به سنی نشین به مراتب شدیدتر است. چرا که جمهوری اسلامی گاه با آمریکا و گاه خود به تنهایی دست به وحشی‌گری‌های کم نظیری علیه این مردم زده است. نیروهای تحت امر سلیمانی جلا، شهرهای آن‌ها را ویران کردند. مردم این شهرها را آواره نمودند. در استان صلاح الدین و انبار و

۲۳ درصد و در منطقه کردستان به ۵ / ۱۲ درصد رسیده است. صندوق بین‌المللی پول می‌گوید: بیش از ۴۰ میلیون نفر از مردم عراق با فقدان خدمات بهداشتی، تحصیلی، مشکل برق و آب کافی در فقر زندگی می‌کنند. تعدادی از شهرها در نتیجه جنگ با داعش به ویرانه تبدیل شده‌اند. سازمان ملل تعداد آوارگان را ۵ میلیون و افراد فقیر و نیازمند را ۱۱ میلیون اعلام کرده است. به رغم درآمد هنگفت دولت از نفت، بدهی این کشور نیز سال به سال در حال افزایش است. در سال ۲۰۱۷ میلغ این بدهی ۱۲۲ میلیارد بود. یک سال بعد به ۱۳۲ میلیارد افزایش یافت. با این حساب رقم کنونی بدهی باید احتمالاً از ۱۵۰ میلیارد نیز تجاوز کرده باشد.

اما این درآمد هنگفت دولت از نفت به کجا می‌رود؟ عراق در میان ۱۸۰ کشور در ردیف دوازدهم از نظر فساد قرار دارد. تمام این ثروت به جیب باندها و فرقه‌های مذهبی، قومی و ملی می‌رود که خود را در ظاهر به شکل احزاب سازماندهی کرده و به حسب قدرت سیاسی‌شان، از اقتصاد و درآمدهای نفتی سهم می‌برند. اغلب این گروه‌ها، به ویژه گروه‌های شیعه وابسته به جمهوری اسلامی، دسته‌های شبه نظامی ویژه خود را نیز سازماندهی کرده‌اند. این باندها، یک سیستم سیاسی فرقه‌ای را با کمک دولت‌های جمهوری اسلامی و آمریکا بر عراق حاکم ساخته‌اند. پست نخست وزیری که از بیشترین قدرت برخوردار است، سهم گروه‌های اسلامگرای شیعه است. ریاست مجلس، سهم اسلامگرایان سنی و ریاست جمهوری سهم قوم گریان کرد. ناگفته روشن است که در یک چنین سیستم سیاسی، باید فساد، دزدی و چپاول به نهایت خود برسد و کارگران و زحمتکش‌ان با فقر، گرسنگی، بیکاری و محرومیت از ابدائی ترین نیازها، حتی خدمات عمومی نظیر آب و برق مواجه باشند.

از همین واقعیت‌ها آشکار است که مردم عراق برای چه علیه نظم موجود قیام کرده‌اند. آن‌ها مقدم بر هر چیز خواهان برافتادن نظم سیاسی فرقه‌ای حاکم هستند. چرا که بدون برافتادن این نظم و پاسداران آن، نه فساد و دزدی‌های کلان برخواهد افتاد و نه کمترین بهبود در وضعیت مادی و معیشتی توده‌های زحمتکش رخ خواهد داد. از همین رو اگر در آغاز، حتماً مدت‌ها قبل از آبان ماه، اعتراض‌ها به نبود خدمات عمومی، آب و برق و سپس اعتراض به فقر و بیکاری و فساد بود، اکنون این جنبش هدف خود را سرنوینی تمام باندهای فرقه‌گرا و برافتادن سیستم سیاسی فرقه‌ای قرار داده است.

مردمی که چند ماه است شب و روز در میدان تحریر جمع شده‌اند در گفتگو با خبرنگاران تلویزیون الجزیره گفتند:

ما می‌خواهیم از شر حکومت فاسدی رها شویم

بنیانه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۱۹ بهمن سالگرد نبرد حماسی سیاهکل



## چهل و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل را باتشدید مبارزه علیه نظم موجود تدارک اعتصاب سیاسی و قیام مسلحانه سراسری گرامی بداریم

چهل و نه سال از نبرد حماسی رفقای ما در سیاهکل گذشت. رزمندگان جسور و بی‌باک و رفقای قهرمانی که با آرمان‌های سرخ کارگری پرچم مبارزه آشتی‌ناپذیر علیه نظم سرمایه‌داری و رژیم سلطنتی را در ۱۹ بهمن سال ۴۹ به اهتزاز درآوردند و با شلیک گلوله‌های آتش و آگاهی، رکود و رخوت سیاسی حاکم بر جامعه را درهم شکستند. نیم قرن پیش، زمانی که غرضی رعد آسا از جنگل‌های شمال در سیاهکل برخاست، در تمام پهنه کشور طنین انداز شد و جنبش کارگری-کمونیستی را از زیر آوار شکست و بن بست‌هایی که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بدان دچار گشته بود، خارج ساخت. پانزده ستاره خونین، "دست درآورد که رزم عظیم" پانزده دُر درخشنده در آن تاریکی، "خونشان رنگ خروش"، "خونشان جلوه دل‌های امید"، "ریخت از پنجه ضحاک زمان بر سر خاک". آن پانزده رفیق قهرمان، آن پانزده گل سرخ پرپر شده در یاد، آگاه از راه بی‌بازگشتی که در آن گام نهاده اند، جان خود را وثیقه آرمان‌های سوسیالیستی و نام خویش را جاودانه ساختند.

نوزده بهمن، روز نبرد حماسی سیاهکل و روز بنیان‌گذاری سازمان را امسال در شرایطی پاس می‌داریم که رژیم جمهوری اسلامی در چنگال بحران‌های متعدد اقتصادی، مالی و اجتماعی دست و پا می‌زند و افزون بر آن، یک بحران ژرف سیاسی تمام جامعه را فراگرفته است.

تمام بخش‌های اقتصادی را رکود فراگرفته و بحران رکود-تورمی پیوسته ژرف‌تر و حادث‌تر شده است. این بحران عواقب وخیمی برای کارگران و عموم زحمت‌کشان در پی داشته است. گرانی و تورم افسارگسیخته، اکثریت بزرگ جامعه را به ورطه فقر و گرسنگی سوق داده است. دستمزد‌های ناچیز ماهانه، تنها هزینه یک هفته را پوشش می‌دهند. بیش از ده میلیون نفر از جمله صدها هزارتن از جوانان، زنان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکارند. بیش از هشتاد درصد مردم به زندگی در زیر خط فقر رانده شده‌اند. فقر، بیکاری، تن فروشی، دزدی، اعتیاد و سایر مصائب اجتماعی بیش از پیش افزایش یافته است. بحران مالی رژیم نیز فوق‌العاده تشدید شده است. ثروت‌های جامعه و دست‌رنج کارگران، در راه سیاست‌های توسعه‌طلبانه و پان‌اسلامیستی رژیم به باد داده شده و صرف اسلام‌گرایان شیعی در سوریه، لبنان، یمن و عراق شده است. درآمد حاصل از فروش نفت به حداقل خود رسیده، خزانه دولت خالی‌ست و حقوق بگیران روز به روز با مشکلات بیشتری مواجه شده‌اند. تمام تلاش‌ها و راه‌های طبقه حاکم برای غلبه بر بحران‌های علاج‌ناپذیر نظم موجود، با شکست و ناکامی روبرو شده است. در حالی که یک اقلیت کم‌شمار انگل و استثمارگر درناز و نعمت‌زدگی می‌کنند، اکثریت بزرگ جامعه در فقر و نداری و گرسنگی کشنده‌ای به‌سر می‌برند. تضاد‌های طبقاتی و کشمکش میان طبقه حاکم و کارگران و عموم تهری‌دستان و استثمار شادگان به مرحله ستیز و برخورد‌های حاد علنی و آشکار فراروئیده است.

در عرصه سیاسی، اوضاع از این هم وخیم‌تر است. سیاست‌های خارجی رژیم چه در ارتباط با آمریکا و اروپا و چه سیاست‌های توسعه‌طلبانه و مداخله جویانه آن در کشورهای منطقه مانند لبنان و سوریه و یمن و عراق، همه جا با ناکامی و شکست قطعی روبرو شده است. بار هزینه‌های سنگین و عواقب این سیاست‌ها نیز بردوش کارگران و زحمت‌کشان بوده است.

در زمینه سیاست‌های داخلی، اوضاع از این هم وخیم‌تر و بحرانی‌تر است. تمام سیاست‌های رژیم و جناح‌های حکومتی در این زمینه باشکست روبرو شده است. اعتماد مردم از رژیم به کلی سلب شده است. ورشکستگی رژیم روز به روز بیشتر و آشکار تر شده است. این ورشکستگی، به بارزترین شکلی خود را در فساد فراگیری به نمایش گذاشته که تمام دستگاه دولتی و طبقه حاکم را فراگرفته و پوسیدگی و گندیدگی نظم حاکم را برملا نموده است. تمام جامعه به تلاطم و جنب و جوش درآمده و توده‌های مردم زحمتکش برای تعیین تکلیف قطعی با طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن به مبارزه علنی توده‌ای روی آورده‌اند.

از خیزش بزرگ دی‌ماه ۹۶ که نقطه پایانی بر یک دوره رکود سیاسی بود و سرآغاز یک دوره انقلابی شد، مبارزات سیاسی توده‌ای تا به امروز ادامه یافته و پیوسته رادیکال‌تر و فراگیرتر شده است. خیزش دی‌ماه که بیش از صد شهر را دربرگرفت، شعار نان آزادی را به پرچم خویش تبدیل کرد. ارتجاع حاکم علیه مردم به‌پایا خاسته به قهر و سرکوب و وحشی‌گری متوسل شد. ده‌ها تن کشته و بیش از ۵ هزارتن بازداشت و زندانی شدند. اما سرکوب و زندان و وحشی‌گری، بر بستر بحران ژرف سیاسی که روز به روز عمیق‌تر و حادث‌تر شده است، نمی‌توانست سدی در برابر امواج پی‌درپی مبارزات کارگران و زحمت‌کشان و عموم تهیدستان که در ابعاد توده‌ای وارد میدان مبارزه سیاسی شده‌اند ایجاد کند. تابستان ۹۷ اعتراضات توده‌ای و خیابانی چندین شهر را دربرگرفت و پانزده همان سال اعتصابات بزرگی در چندین کارخانه همراه با تظاهرات خیابانی شکل گرفت. پرچم شوراها به اهتزاز درآمد و شعار نان کار آزادی با شعار اداره شورائی تکمیل شد. برای نخستین بار بدیل کارگران برای نظم موجود، نظم شورائی اعلام گردید. پی‌آمد آن نیز یک رشته تظاهرات توده‌ای در خوزستان، اعتصابات سیاسی در کردستان و تجمعات و اعتصابات و راه پیمائی‌های مکرر کارگران، معلمان، بازنشستگان، رانندگان کامیون و دانشجویان بوده است که تا آبان ۹۸ ادامه یافت.

قیام سراسری آبان اما جامعه را وارد فاز کاملاً جدیدی ساخت که نه فقط در تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، بلکه در دوره انقلابی که آغاز آن در دی‌ماه ۹۶ رقم خورد نیز سابقه نداشت. صدها هزار تن از مردم زحمتکش و تنگ‌دست، جوانان، زنان، بیکاران و عموم تهیدستان جامعه در بیش از صد شهر و تقریباً در تمام استان‌های کشور علیه نظم حاکم به‌پایا خاستند و با تجمعات، تظاهرات، ایجاد راه‌بندان و سنگر بندی خیابانی بامزدوران سرکوب‌گر رژیم درگیر شدند. قیام‌کنندگان در سراسر کشور، مراکز ستم و سرکوب رژیم را مورد حمله قرار دادند، بسیاری از بانک‌ها، پایگاه‌های بسیج، سپاه، کلانتری‌ها و "حوزه‌های علمیه" و دستگاه فریب و تحمیق روحانیت، وسایل نقلیه نیروهای نظامی و انتظامی را به آتش کشیدند و انزجار عمیق خود از دولت دینی و نظام سرمایه‌داری حاکم و همچنین نفرت خویش از نهاد‌های حافظ مناسبات سرمایه‌داری را به نمایش گذاشتند.

قیام آبان ماه یک نقطه عطف مهم و یک تحول کیفی را در روند تحول اوضاع جامعه و بحران ژرف سیاسی رقم زد. با قیام آبان، جامعه و تلاطمات سیاسی آن وارد مرحله کیفی نوینی شد. این قیام روحیه تعرضی توده‌های مردم، اتخاذ تاکتیک‌ها و اشکال رادیکال مبارزه، آمادگی آن‌ها برای روی آوردن به اعتصاب عمومی سیاسی، قیام مسلحانه و براندازی رژیم جمهوری اسلامی و عزم و اراده آن‌ها برای تعیین تکلیف نهائی با نظم حاکم را به نمایش گذاشت. قیام آبان به روشنی جسارت و بی‌باکی توده‌های مردم زحمتکش و تهری‌دست جامعه در برابر ماشین سرکوب و آمادگی آن‌ها را برای فداکاری و از خود گذشتگی به نمایش گذاشت. توفان خشم و نارضایتی تراکم یافته صدها هزارتن از مردم، شهرها و خیابان‌ها را درنوردید و ارتجاع حاکم را در مقیاس سراسری به چالش جدی کشید. قیام آبان نشان داد که توده‌های مردم ایران دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند نظم موجود را تحمل کنند و برای براندازی آن حاضرند از جان خویش نیز بگذرند.

خامنه‌ای قیام‌کنندگان را "اشرار" خواند و فرمان قتل آن‌ها را صادر کرد. جوی خون به‌راه افتاد و پس از پنج روز، قیام‌کنندگان در خون خویش غرق

## بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۱۹ بهمن سالگرد نبرد حماسی سیاهکل

### چهل و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل را باتشدید مبارزه علیه نظم موجود، تدارک اعتصاب سیاسی و قیام مسلحانه سراسری گرامی بداریم

شدند. ۵۰۰ تن کشته و بیش از ده هزار تن بازداشت و زندانی شدند.

طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدارمنافع آن بر این خیال بوده است که با کشتار و وحشی گری می تواند اوضاع را آرام کند و خود را از مهلکه نجات دهد. اما هنوز خون سرخ قیام کنندگان بر سنگ فرش خیابان ها خشک نشده بود که پرچم مبارزه و دفاع بی باکانه از قیام و اهداف آن در دانشگاه به اهتزاز درآمد. جنبش چپ رادیکال و سوسیالیستی دانشجویی قامت برافراشت و روز دانشجو را به روز مبارزه علیه نظم حاکم و دفاع از کارگران و استثمارشدگان تبدیل کرد. به رغم سرکوب و بازداشت گسترده دانشجویان اما این پرچم یک هفته در اهتزاز بود. بحران انقلابی و بحران سیاسی ژرفی که تمام جامعه را به تلاطم انداخته است، زادگاه خیزش های پی در پی و قیام ها و امواج مبارزه رادیکال توده های است و با سرکوب نمی توان مانع بروز آن شد. امواج مبارزه رادیکال و توده ای یکی پس از دیگری از راه می رسند و ضربات کوبنده ای بر پیکر نظم موجود وارد می سازند.

رژیم ارتجاعی و سرکوبگر حاکم و سران جنایتکار آن بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی، با راه اندازی نعلش کشی و تعزیه گردانی و به میدان کشیدن جیره خواران خویش تلاش کردند فضای جامعه پس از قیام و خواسته های آن را به سمت دیگری منحرف سازند. اما در پی سقوط هواپیمای مسافربری اوکراینی، دروغ گویی و مخفی ساختن علت اصلی سقوط و سرانجام اعتراف به شلیک موشک توسط پدافند سپاه که به کشته شدن ۱۷۶ نفر منجر شد، موج بلند دیگری از تجمعات اعتراضی و تظاهرات خیابانی برخاست. این تجمعات و اعتراضات اگرچه نخست در دانشگاه نطفه بست اما به سرعت به بیرون از دانشگاه تسری یافت و چندین شهر را دربر گرفت. دانشجویان و توده های زحمتکش مردم با خواست ها و شعار های رادیکال تر و جدیتری به میدان آمدند. "جمهوری اسلامی نابود باید گردد"، "اصلاحات، رفراندوم رمز فریب مردم"، تأکید بر پیکار در کف خیابان و تأکید ویژه بر اعتصاب و انقلاب، از جمله ویژگی های مهم این موج مبارزه بود که بار دیگر نیاز جامعه به یک دگرگونی و تحول انقلابی را بازتاب می داد.

خیزش دی ماه ۹۶، رویدادهای سیاسی، اعتراضات خیابانی و تمام اعتصابات، تجمع ها و تظاهرات توده ای بعد از آن به ویژه قیام سراسری آبان ۹۸ نشان داد که جامعه در تب و تاب یک تحول و دگرگونی و در تب و تاب یک انقلاب می سوزد و آماده است تا با هر جرعه ای به اشتعال و انفجار کشیده شود. توده های فقیر و زحمتکش استثمارشده که دیگر نمی خواهند و نمی توانند وضع موجود را تحمل کنند، مترصدند از پی هر رویداد بیشتر یا کمتر مهم سیاسی و اجتماعی، به پا خیزند و به حاکمیت چهل ساله ارتجاع اسلامی پایان دهند و به این تحول ضروری و گریزناپذیر جامه عمل پوشند. طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن نیز به پایان خط رسیده و از مدت ها پیش نشان داده است که دیگر نمی تواند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند. تمام سیاست های این طبقه برای حکم و اصلاح نظم موجود با شکست روبرو شده و اصلاح و تغییر در چارچوب این نظم، به کلی ناممکن شده است. رژیم در بن بست مرگبار گرفتار آمده است. فساد دستگاه دولتی، پوسیدگی و گندیدگی نظم موجود بر همه گان آشکار شده است. هیچ راه نجاتی برای رهائی رژیم از بن بست و بحران های گوناگونی که بدان گرفتار آمده وجود ندارد.

تردیدی نیست که ارتجاع حاکم برای مقابله با کارگران و زحمتکشان و عموم تهیدستان معترض و ناراضی و برای درهم کوفتن هر برآمد و قیام توده ای به سرکوب بیشتر متوسل خواهد شد. قیام آبان و وحشی گری نیروهای سرکوب علیه قیام کنندگان به مردم آموخت که در نبردهای آتی بایستی با اشکال مبارزاتی پیشرفته تر، آمادگی بیشتر و نیروی وسیعتری به مقابله با رژیم برخیزند. تنها گسترش اعتصابات و برپائی اعتصابات اقتصادی و سیاسی گسترده فرا واحدی و سراسری است که می تواند نیروی کمی و کیفی بیشتری را به میدان بکشد، کارگران و زحمتکشان را در مقیاس وسیع و همه گانی برای سرنگونی رژیم بسیج کند، نیروی سرکوب رژیم را فلج سازد و راه را برای اعتصاب عمومی سیاسی سراسری هموار کند. اگرچه وقوع این اعتصاب، بر بستر بحران سیاسی ژرف و مبارزات توده ای گسترش یافته، مستقل از اراده و آگاهی نیروهای درگیر در آن قطعی است و این از منطق مبارزه طبقاتی در یک دوره انقلابی نشأت می گیرد، اما نمی توان و نباید فقط به انتظار آن نشست بلکه می توان و باید روند برپائی آن را تسریع کرد. این وظیفه بر عهده طبقه کارگر و بخش پیشرو و آگاه این طبقه است. کارگران پیشرو، فعالان آگاه کارگری و بخش متشکل تر کارگران باید در درون کارخانه ها و مراکز تولیدی و خدماتی کمیته های اعتصاب را سازمان دهند و با ایجاد ارتباط تنگاتنگ و سازماندهی کمیته ها و شوراهای هماهنگی، سازماندهی اعتصابات هماهنگ شده را در دستور کار خویش قرار دهند و به تسریع برپائی اعتصاب عمومی سیاسی یاری رسانند.

قیام خونین آبان، وحشی گری و کشتار بیرحمانه قیام کنندگان توسط نیروهای مسلح رژیم، این واقعیت را نیز آشکار ساخت که بادست خالی نمی توان با یک رژیم جلا د سر تا پامسلح مبارزه کرد. از این رو تدارک نظامی قیام مسلحانه نه فقط ضروری بلکه اجتناب ناپذیر است. در برابر ما و همه کارگران و زحمتکشان هیچ راه دیگری وجود ندارد جز این که رژیم جمهوری اسلامی را با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه براندازیم و یک حکومت شورائی و کارگری را مستقر سازیم.

در چهل و نهمین سالگرد ۱۹ بهمن ۴۹، روز بنیان گذاری سازمان، بار دیگر با رفقای که نبرد حماسی سیاهکل را آفریدند و همه رفقای فدایی که در راه آرمان های سرخ کارگری مبارزه نموده و جان فشاندند، پیمان می بندیم که تا تحقق کامل اهداف و آرمان های سوسیالیستی مان، به مبارزه ادامه دهیم.

**گرامی باد چهل و نهمین سالگرد نبرد حماسی سیاهکل**  
**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورائی**  
**زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم**  
**سازمان فدائیان (اقلیت)**  
**بهمن ۱۳۹۸**

**کار، نان، آزادی - حکومت شورایی**



## "من بر سر این سفره خونین نمی نشینم"

به روند تحولات کنونی جامعه داشته است. فضایی که دیگر قابل بازگشت به روزها و ماه های پیش از آبان نخواهد بود. سیر تحولات انقلابی موجود، عمق نارضایتی عمومی، گسترش اعتراضات توده ای همراه با شکست کامل سیاست های جمهوری اسلامی در عرصه های داخلی و خارجی وضعیت اسفباری را برای هیات حاکمه ایران رقم زده است. مجموعه وضعیت موجود و مفتضح شدن بیش از پیش حاکمان اسلامی در نزد توده های وسیع مردم ایران سبب شده است تا لایه هایی از هنرمندان و سینماگران ایران که تا پیش از این با توهم اصلاح رژیم توجیه گر سیاست های ارتجاعی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و کنار آن ایستاده بودند، به تدریج صف خود را از رژیم جدا کنند.

تحریم جشنواره حکومتی فجر توسط گروهی از هنرمندان و سینماگران ایران، یک نمونه از سیر تحولات موجود در جامعه است. روز چهارشنبه دوم بهمن (۲۲ ژانویه)، تعدادی از سینماگران ایران بیانیه ای یک جمله ای را در صفحه های شخصی خود در اینستاگرام منتشر کرده و نوشته اند: "ما به جشنواره فجر نمی رویم." در این بیانیه یک جمله ای، که امضا ۱۴۰ نفر در پای آن دیده می شود، اسامی سینماگران و هنرمندانی همانند جعفر پناهی، محمد رسول آف، حمید فرخ نژاد، تهیمینه میلانی، علی مصفا، فریدون شهبازیان و... به چشم می خورد. پیش از انتشار این بیانیه ۱۴۰ نفر، تعداد دیگری از کارگردانان و بازیگران تاتر و سینمای ایران از جمله مسعود کیمیایی نیز به صورت فردی انصراف خود را از حضور در جشنواره فجر امسال اعلام کرده بودند. اگرچه بخشی از مجموعه هنرمندان و سینماگرانی که به تاسی از فضای انقلابی جامعه و به طور اخص متأثر از دریای خونی که جمهوری اسلامی در آبان ماه به راه انداخت، اعلام موضع کرده اند، اما اغلب آنان، صرفاً سرنگونی هواپیمای اوکراینی و تالامات روحی حاصل از کشته شدن ۱۷۶ نفر از مسافران هواپیمای سرنگون شده اوکراینی را دلیل انصراف خود از حضور در جشنواره حکومتی فجر اعلام کرده اند.

با این همه و قبل از هر واکنشی، مستثنا از

پرداختن به انگیزه های تحریم کنندگان، ابتدا به ساکن لازم است از اقدام فردی و جمعی همه این هنرمندان و سینماگرانی که تا این لحظه جشنواره حکومتی فجر را تحریم کرده اند، استقبال کرد و به آنان جهت این موضع گیری خوش آمد گفت. اما نباید فراموش کرد که میان آن دسته از هنرمندان و سینماگرانی که به دلیل کشتار خونین آبان ماه ۹۸ و کشتارهای پیش از آن، جشنواره فجر را تحریم کرده اند و آن دیگرانی که اساس تحریم خود را صرفاً بر کشتار مسافران هواپیمای مسافربری اوکراینی بنا نهاده اند، تفاوت بسیار بزرگ و آشکاری وجود دارد. تفاوتی که کیفیت اقدام کار آنان را از هم متمایز می کند.

جامعه هنری و روشنفکری ایران چه در زمان رژیم پادشاهی و چه در دوران ارتجاع اسلامی، همواره شاهد شجاعت، فداکاری و از خودگذشتگی هنرمندان و نویسندگان گرانقدری بوده است که در پاسداری از آزادی بیان، اندیشه و در دفاع از منافع عموم توده های زحمتکش مردم ایران پیکار و مبارزه کرده و بعضاً در این مسیر از جان خود نیز گذشته اند. سعید سلطانپور، محمد مختاری، جعفر پوپنده و دیگرانی همچون آنان، از جمله چهره های ماندگاری در میان هنرمندان و نویسندگان ایران بوده و هستند که در مبارزه با سانسور و اختناق و سرکوب و ایستادگی در مقابل کشتار توده های مردم ایران به دست آدمکشان جمهوری اسلامی جان باخته اند. در کنار این دسته از نویسندگان و شاعران و هنرمندان جانباخته، نویسندگان و شاعران دیگری همانند احمد شاملو، علی اشرف درویشیان و دیگرانی از این دست بوده اند که هرگز حاضر به نشستن بر سر سفره خونین جمهوری اسلامی نشدند. زنده یاد علی اشرف درویشیان، در اسفند ماه ۱۳۸۰، زمانی که از او برای شرکت در یک مراسم حکومتی در کیش دعوت کردند، در پاسخ به آنان نوشت: "من بر سر این سفره خونین نمی نشینم." فراموش نکنیم، علی اشرف درویشیان، زمانی با صدای بلند اعلام کرد، که بر سفره خونین آدمکشان جمهوری اسلامی نمی نشیند، که در آن ایام، تبلیغات اصلاح طلبی و توهم اصلاحات محمد خاتمی، ذهن و جان اغلب هنرمندان و سینماگران و نویسندگان جامعه را تسخیر

کرده بود. شبه هنرمندان و سینماگرانی که نه تنها طی چهار دهه فرهنگ جمهوری اسلامی را تبلیغ و ترویج کردند، بلکه بی محابا از ارتزاق و برخورداری از خوان نعمات جمهوری اسلامی افتخار هم کردند. اکنون اما فضای جامعه به کلی با سال های دهه ۸۰ متفاوت است. فضای انقلابی و سیر شتابان تحولات ایجاد شده در متن جامعه، بخش وسیعی از همان هنرمندان و سینماگرانی را که به دلیل موقعیت طبقاتی و بهره برداری از امکانات حکومتی طی دهه های متمادی دست از رسالت و تعهد هنری و نویسندگی خود شسته و در سال های گذشته در همگامی با اصلاح طلبان حکومتی خاک بر چشم توده های مردم ایران پاشیدند، به تحریم جشنواره حکومتی فجر کشانده است.

تحریم جشنواره فجر، اگرچه گامی مثبت و امیدوار کننده است، اما فراموش نکنیم که این اقدام آنان تنها یک گام و صد البته سر آغاز یک حرکت نوین برای فاصله گرفتن و برخاستن از سفره جمهوری اسلامی است. اقدامی که لازم است در عرصه های وسیعتری از هنر، فرهنگ و ادبیات کشور در مقابله با کشتار و سرکوب توده های مردم ایران استمرار یابد. اعلام موضع در قبال قیام آبان ماه و محکومیت کشتاری که جمهوری اسلامی به بیرحمانه ترین شکل ممکن طی ۵ روز به راه انداخت، اکنون یکی از معیارهای عملی سنجش و قضاوت توده های مردم ایران در ارزیابی رفتار و کردار نویسندگان و هنرمندان و سینماگران جامعه است.

تحریم جشنواره فجر، به دلیل صرف تالامات روحی حاصل از سرنگونی هواپیمای اوکراینی و کشته شدن ۱۷۶ مسافر ایرانی و غیر ایرانی آن، بدون اشاره به کشتار ۱۵۰۰ معترض قیام آبان ماه، به معنای نصف و نیمه برخاستن از سر سفره خونین آدمکشان جمهوری اسلامی است. کشتار توده های مردم ایران طی ۴۰ سال همواره بوده و بعد از این نیز تا آخرین روزی که حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران بر قرار باشد، ادامه خواهد داشت. آنانی که صرفاً به دلیل تالامات روحی حاصل از سرنگونی هواپیمای اوکراینی توسط پدافند هوایی سپاه پاسداران، جشنواره فجر را تحریم و اعلام کرده اند که دل و دماغ حضور در "جشن و شادی" را ندارند، سال بعد چی؟ آیا این بدان معنا نیست

## "من بر سر این سفره خونین نمی نشینم"

واکنش این هنرپیشه سینما در تقابل با تحریم کنندگان جشنواره فجر، به همان نسبت که مورد استقبال خبرگزاری فارس و دیگر نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفت، موجی از تنفر و انزجار عمومی علیه او را در شبکه های اجتماعی برانگیخت.

آنچه اکنون در جامعه ما جاری و ساری است دورانی از سیر تغییر و تحولات پرشتاب انقلابی است که فضای جامعه را فرا گرفته است. وضعیتی که اکنون بیش از هر زمان دیگری با قضاوت تند و تیز جوانان و عموم توده های ستمدیده مردم ایران در قبال عملکرد یکا یک هنرمندان و نویسندگان و سینماگران ایران درآمخته است. قضاوتی کاملاً شفاف، اما بسیار بی رحمانه که اوضاع را برای آن دسته از هنرمندان و نویسندگان و سینماگرانی که همچنان بر ایستادن خود در کنار آدمکشان جمهوری اسلامی اصرار دارند، تنگ و تنگتر کرده است. دورانی که حجت بر همه هنرمندان و نویسندگان و سینماگران و روشنفکران ایران تمام شده است، تا هنرمندان راستین یکی پس از دیگری، فردی یا گروهی هم گام و هم صدا با زنده یاد علی اشرف درویشیان بانگ برکشند: "من بر سر این سفره خونین

سینما در ارائه آثار خوب و ماندگار بسنده نخواهند کرد.

بعد از قیام آبان ماه، همان جوانان و توده های مردمی که تا پیش از این برای بازیگران و هنرمندان محبوب خود سر و دست می شکستند، اکنون، به محض اینکه ببینند آن نویسنده، هنرمند و یا بازیگر محبوب شان همچنان بر سر سفره خونین جمهوری اسلامی نشسته است، قضاوت دیگری در مورد آنان خواهند داشت.

نمونه مشخص آن، واکنش فراگیر جوانان و کاربران اجتماعی نسبت به موضع گیری برخی از سینماگرانی است که در مورد تحریم کنندگان جشنواره فجر و تخریب آنان موضع گیری کرده اند. یکی از این ها که خود طی دهه های متعددی بر سر سفره خونین جمهوری اسلامی نشسته و هنوز هم به ماندگاری خود در کنار آدمکشان جمهوری اسلامی افتخار می کند، علیه آن دسته از سینماگران و هنرمندانی که جشنواره فجر را تحریم کرده اند، به موضع گیری پرداخته و اقدام تحریم کنندگان جشنواره فجر را نفی و با آن به مخالفت برخاسته است.

که دوران تحریم شان در مورد جشنواره فجر موقت است و در سال های بعد، اگر جمهوری اسلامی بر سریر قدرت باقی بماند، آنان دوباره بر سر سفره خونین آن باز خواهند گشت؟

بعد از قیام آبان ماه، شرایط و فضای سیاسی جامعه به سمتی رفته است که دیگر کسی نمی تواند میان دو صندلی بنشیند. در وضعیت موجود، هنرمندان، نویسندگان، روشنفکران و بازیگران سینما یا در کنار مردم و همراه آنان اند، یا در کنار جمهوری اسلامی ایستاده و علیه توده های مردم ایران گام بر می دارند. در چنین وضعیتی، بسیار روشن است که هر حرکت و موضع گیری آنان در تیررس قضاوت بی امان توده های مردم ایران قرار دارد. این قضاوت توده ها، طبیعتاً در مورد رفتار و کردار و موضع گیری آن دسته از هنرمندان و نویسندگان و سینماگرانی که برای توده های مردم ایران شناخته شده تر هستند، مسلماً دو صد چندان بی رحمانه تر است. آنچه اکنون برای توده های زخم خورده مردم ایران حائز اهمیت است، این است که آنان در موضع گیری های خود اکنون دیگر صرفاً به میزان خلاقیت یک هنرمند، توانمندی یک کارگردان، نویسنده و یا بازیگری خوب یک بازیگر

چهل و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل را

باتشدید مبارزه علیه نظم موجود،

تدارک اعتصاب سیاسی و

قیام مسلحانه سراسری گرامی بداریم

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

## گزارش کوتاه از اکسیون‌های اعتراضی در آمستردام (هلند)، استکهلم (سوئد)، کپنهاگ (دانمارک) و هامبورگ (آلمان)

مردم در ایران، در یکی از معادین پر رفت و آمد در مرکز شهر کپنهاگ در کشور دانمارک، در مقابل دفتر عفوبین الملل به فراخوان فعالین چپ و کمونیست برگزار گردید.

نیروهای شرکت کننده در این اکسیون ضمن اعلام همبستگی با اعتراضات و تظاهرات بر حق مردم ایران در ارتباط با سقوط هواپیمای مسافربری بوئینگ ۷۳۷ شرکت هواپیمایی اوکراین در اثر شلیک موشک و آتش پدافند هوایی سپاه پاسداران، که منجر به کشته شدن ۱۷۶ مسافر و خدمه هواپیما گردید، ضمن محکوم کردن جنایات هولناک رژیم جمهوری اسلامی در منطقه و بخصوص در ایران، با خانواده و بازماندگان این حادثه هولناک اعلام همدردی نمودند. فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در کپنهاگ با حمل شعار و پرچم سازمان، همگام با دیگر نیروها و فعالین چپ و کمونیست در این اکسیون شرکت فعالی داشتند.

### تظاهرات در هامبورگ

شنبه ۱۸ ژانویه از ساعت ۱۲ تا ۱۴ اکسیونی از طرف «شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه هامبورگ»، «فعالین حزب کمونیست ایران در هامبورگ» و فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) (هامبورگ) در مقابل کنسولگری جمهوری



اسلامی در این شهر جهت حمایت از مبارزات مردم ایران، آزادی زندانیان سیاسی و محکوم کردن گشتار مسافران هواپیمایی اوکراینی علیه رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی برگزار شد. در این اکسیون همچنین نماینده ی حزب مارکسیست - لنینیست آلمان و نماینده‌ای از رفقای بلوک بین‌المللی برای همبستگی با اعتراضات مردم شرکت و سخنرانی کردند.

محکومیت جمهوری اسلامی در ساقط کردن هواپیمای مسافربری اوکراینی و همچنین در حمایت از مبارزات مردم انقلابی ایران در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم دست به تظاهرات زدند. شرکت کنندگان در این تجمع اعتراضی، شعارهایی سر دادند که طی روزهای اخیر



مردم مبارز ایران از جمله دانشجویان در خیابانها و دانشگاه های کشور سر داده بودند. شعارهایی از قبیل «نه اصلاح نه رفراندوم، اعتصاب انقلاب»، «از بغداد تا تهران، شعار ما انقلاب» و «جمهوری اسلامی نابود باید گردد». لازم به ذکر است، برغم هوای سرد و بارندگی‌های لحظه‌ای، جمعیت قابل ملاحظه ای در این تجمع اعتراضی شرکت کردند.

### گزارشی از اکسیون در حمایت از تجمعات اعتراضی مردم در ایران

در روزشنبه ۱۸ ژانویه ۲۰۲۰ از ساعت



۱۱ تا ۱۳، اکسیونی در حمایت از مبارزات

### گزارشی کوتاه از تجمع اعتراضی در همبستگی با مبارزات مردم زحمتکش در آبان و دی ماه ۱۳۹۸



در تاریخ ۲۳ ژانویه از ساعت ۱۸ تا ۲۰ شب در میدان دام شهر آمستردام، تجمع اعتراضی در همبستگی با مبارزات آبان و دیماه ۱۳۹۸ مردم زحمتکش، دانشجویان و کارگران برگزار شد. این حرکت اعتراضی توسط کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران در هلند سازماندهی شده بود.

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند از این اکسیون حمایت نموده و فعالانه در آن شرکت داشتند. پلاکاردها و طرح‌ها و عکس جانفشانان اعتراضات اخیر، روشن کردن مشعل و بر افروختن آتش باعث شد که مراجعین زیادی به تجمع سر بزنند. در این تجمع با پخش ترانه سرود، دادن شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و دیگر شعارها و پخش اعلامیه به افشای جنایات جمهوری اسلامی پرداخته شد.

### گزارش اکسیون اعتراضی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم سوئد

بنابر فراخوان شورای استکهلم، روز شنبه ۱۸ ژانویه، از ساعت ۲ بعدازظهر فعالین سازمان فدائیان اقلیت به همراه شماری از اعضا و هواداران سازمان های چپ و کمونیست و تعدادی از کمونیست‌های مستقل و منفرد در

## کابینه روحانی و فاجعه خصوصی‌سازی در لایحه بودجه ۹۹

اما در بودجه ۹۹، در رابطه با واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی چه چیزی پیش‌بینی شده است؟! براساس لایحه بودجه سال ۹۹، منابع حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی ۱۱ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان خواهد بود. جدا از این مبلغ، براساس بند ۳ تبصره ۱۲ این لایحه، قرار است دولت ۴۰ هزار میلیارد تومان از اموال دولتی را بدون تشریفات معمول به فروش برساند.

فرهاد دژپسند وزیر امور اقتصاد و دارایی در این رابطه گفت: "این پیشنهاد با این هدف در لایحه بودجه گنجانده شده تا ۵۰ هزار میلیارد تومان فروش اموال، مقرر در مصوبه سران قوا محقق و تسهیل شود... روند واگذاری اموال دولت در سال آینده مطابق بودجه ۱۰ برابر خواهد شد و ما نیز برای تحقق این میزان از واگذاری برنامه‌ریزی‌های خاص خود را انجام داده ایم".

بنابراین براساس بودجه ۹۹ در مجموع قرار است ۵۱ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان از اموال دولتی به فروش رسد. اما آیا فروش این حجم از اموال دولتی در شرایط سیاسی و اقتصادی کنونی امکان‌پذیر می‌باشد؟ برای پاسخ به این سوال ابتدا نگاهی بیندازیم به چگونگی اجرای سیاست خصوصی‌سازی در کابینه‌های متعدد جمهوری اسلامی.

اجرای سیاست خصوصی‌سازی به کابینه هاشمی رفسنجانی برمی‌گردد. در آن زمان ۳۳۳ میلیارد تومان اموال دولتی به بخش خصوصی واگذار شد. البته در رابطه با ارزش ریالی واقعی واگذاری‌ها در آن مقطع باید ارزش پول را نیز در آن زمان در نظر گرفت. در دوره رفسنجانی عموم واگذاری‌ها براساس مذاکره خریدار و فروشنده بود و هیچ مناقصه و دیگر تشریفات معمولی که در اغلب کشورهای دنیا رعایت می‌شود رعایت نشد. در دوره خاتمی ارزش ریالی کل واگذاری‌ها ۲ هزار و ۵۱۵ میلیارد تومان بود. از جمله واگذاری‌های این دوره می‌توان به کارخانه پارسیلون خرم‌آباد اشاره کرد که با هزاران کارگر به تعطیلی کشانده شد و یا رشت الکتریک (توشیبا) با ۱۷۰۰ کارگر که هدف صاحبان فعلی "اصلاح‌طلب" آن (همسران کرباسچی، عبدالله نوری، غلامرضا قبه و دختر باجناق کرباسچی) پس از تعطیلی کارخانه و فروش اموال کارخانه، چیزی جز فروش زمین‌های آن و ساخت و ساز در آن نبود که در یکی از بهترین مکان‌های شهر رشت قرار دارد.

در کابینه احمدی‌نژاد فروش اموال دولتی اوج گرفت و به ۱۰۲ هزار و ۴۲۲ میلیارد تومان رسید. ۲۶ درصد از این فروش به سهام عدالت برمی‌گردد که البته خود یک دزدخانه دیگر برای مدیران فاسد دولتی است. بخش دیگری نیز شرکت‌هایی بودند که بابت بدهی دولت به طلبکاران واگذار گردیدند که این طلبکاران نیز عموماً از نهاد‌های شبه دولتی مثل سازمان تامین اجتماعی بودند. در این سال بود که سهام برخی از بانک‌های دولتی، پالایشگاه‌ها، صنایع مس، فولاد، خودروسازی، مخابرات و برخی از دیگر

شرکت‌های بزرگ دولتی به فروش رسیدند. در دوران کابینه روحانی نیز در طول ۵ سال در مجموع ۴۲ هزار و ۴۵۷ میلیارد تومان از اموال دولتی واگذار گردید. بررسی چگونگی واگذاری‌ها در دوران کابینه روحانی تا حدودی این مساله را مشخص می‌کند که آیا دولت قادر خواهد بود در سال آینده ۵۱ هزار میلیارد تومان از اموال و شرکت‌های دولتی را واگذار کند یا نه؟!.

بیشترین واگذاری‌ها در طول ۵ سال کابینه روحانی (تا آغاز سال ۹۷) در سال ۹۲ بوده است. در این سال در مجموع ۴۴ هزار میلیارد تومان از اموال دولتی به فروش رسید که ۱۷ هزار میلیارد تومان آن مربوط به دوره ۵ ماهه کابینه احمدی‌نژاد و ۲۷ هزار میلیارد تومان آن به دوره هفت ماهه کابینه روحانی برمی‌گردد. نکته مهم این است که در این سال حدود نیمی از این واگذاری‌ها بابت بدهی (۱۸ هزار میلیارد تومان) و ۲ هزار میلیارد تومان از واگذاری‌ها مربوط به سهام عدالت بوده است. بعد از سال ۹۲ کل واگذاری‌های کابینه روحانی (یعنی ۴ سال) حدود ۱۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بوده است. به ترتیب در سال‌های ۹۳، ۹۴، ۹۵ و ۹۶، ۵ هزار و ۲۲۶ میلیارد تومان، ۳ هزار و ۷۳۳ میلیارد تومان، ۴ هزار و ۹۳۷ میلیارد تومان و ۵ هزار و ۵۵۸ میلیارد تومان از واگذاری شرکت‌های دولتی پول به دولت رسیده است. در سال ۹۷ نیز اگرچه در بودجه حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان فروش شرکت‌های دولتی پیش‌بینی شده بود اما براساس آمارها در ۵ ماه اول سال تنها هزار و ۹۵۹ میلیارد تومان از محل فروش این شرکت‌ها کابینه روحانی بدست آورده است.

آمارهای سال ۹۸ از این هم بدتر است، در حالی که در بودجه سال‌جاری ۵ هزار میلیارد تومان درآمد حاصل از فروش شرکت‌های دولتی پیش‌بینی شده بود، براساس آمارهای موجود تنها حدود ۳۰۰ میلیارد تومان از فروش شرکت‌های دولتی تحقق یافته است!!!

تا سال ۹۷ در مجموع ۸۸۹ شرکت واگذار شده‌اند و ۶۲۷ شرکت که در لیست شرکت‌های آماده برای واگذاری قرار گرفته‌اند هنوز در کنترل دولت باقی مانده بودند. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی، از مجموع واگذاری‌ها ۲۳ درصد به سهام عدالت اختصاص یافته که در واقع همچنان در اختیار دولت هستند. ۶۱٪ درصد به نهاد‌های شبه دولتی واگذار شده و ۱۶٪ درصد به سایر بخش خصوصی. این به آن معناست که در طول این سال‌ها عمده واگذاری‌ها به بخش دولتی و شبه دولتی صورت گرفته و مشتری اصلی این بخش‌ها بوده‌اند. این موضوع برای پاسخ دادن به سوال ابتدای مقاله نیز اهمیت دارد، این‌که آیا دولت قادر است این حجم از پول یعنی بیش از ۵۱ هزار میلیارد تومان بابت واگذاری اموال دولتی بدست آورد؟! کافیست این را در نظر بگیریم که از ۵ هزار میلیارد تومان درآمد پیش‌بینی شده در بودجه سال ۹۸ حاصل از فروش شرکت‌های دولتی، تنها ۳۰۰ میلیارد تومان آن تاکنون تحقق یافته است.

این که شرکت‌های شبه دولتی بزرگترین خریدار شرکت‌های دولتی بوده‌اند و خود این شرکت‌ها هم اکنون در بحران مالی قرار دارند تا حدودی نشان دهنده این موضوع است که چرا در طول سال ۹۸ دولت نتوانسته است به درآمد ۵ هزار میلیارد تومانی منظور شده در بودجه ۹۸، به رغم بحران مالی خود، دست یابد. برای نمونه صندوق‌های بازنشستگی که بزرگترین‌شان سازمان تامین اجتماعی است خود هم اکنون با بحران نقدینگی روبرو هستند. به گفته اکبر شوکت از اعضای هیات امنای این صندوق، این سازمان هم اکنون در پرداخت‌هایش دچار مشکل شده و به همین منظور از بانک‌ها وام دریافت می‌کند آن هم با بهره‌های بالای ۲۰ درصد!!! وضعیت سایر صندوق‌های بازنشستگی از سازمان تامین اجتماعی هم بدتر است.

سایر شرکت‌های شبه دولتی نیز با بحران مالی روبرو هستند. هم اکنون بسیاری از شرکت‌های دولتی و شبه دولتی پرداخت دستمزد کارگران را چندین ماه به تعویق انداخته‌اند. این به ویژه به دلیل بدهی‌های انباشته‌ایست که همه چیز را در هم ریخته است. این که شرکت‌های وابسته به بیت خامنه‌ای که حدود ۱۰ درصد اقتصاد را براساس برآوردهای رسمی وزارت اقتصاد در دست دارند و از جمله خریداران شرکت‌های دولتی هستند، تصمیم به عرضه سهام شرکت‌های خود در بورس گرفته‌اند، بیش از هر چیز به دلیل تامین منابع مالی است. این کار اساساً در همه دنیا مرسوم است. یکی از راه‌هایی که شرکت‌ها برای تامین منابع مالی مورد نیاز خود دارند بانک‌ها هستند که در ایران بانک‌ها همه با بحران مالی روبرو هستند. یک راه دیگر عرضه سهام در بورس است. همین‌جا لازم به توضیح است که عموماً شرکت‌ها برای توسعه فعالیت‌های خود به منابع مالی جدید نیاز پیدا می‌کنند. اما در ایران اگر بنگاه‌های اقتصادی تحت نظارت خامنه‌ای قصد ورود به بورس را دارند نه به این دلیل که نقشه‌ای برای توسعه فعالیت‌های خود در شرایط کنونی اقتصاد را دارند که با بحران بی‌سابقه‌ی اقتصادی دست به گریبان است، بلکه علت اصلی را باید در جای دیگر یعنی در همان بحران رکود - تورمی اقتصاد کشور دید که بحران حتماً دامن این شرکت‌ها را نیز به‌ویژه با تحریم‌های آمریکا گرفته است.

این نکته مهم است که یکی از منابع درآمدی این شرکت‌ها دلارهای نفتی بود. در واقع رانتی که در دل دلارهای دولتی بود یک منبع مهم درآمدی برای این شرکت‌ها بود که با از دست دادن درآمدهای نفتی، این شرکت‌ها نیز از این منبع مهم درآمدی محروم شده و با مشکلات مالی روبرو شدند.

بنابراین با توجه به آنچه که در بالا آمد، مشخص است که دولت به سادگی (یا اساساً) قادر به تامین ۵۱ هزار میلیارد تومان از طریق فروش شرکت‌های دولتی نخواهد بود، چرا که خریداران عمده این شرکت‌ها خود با بحران دست به گریبان هستند. عدم تحقق درآمد ۵۰۰۰ میلیاردی از فروش شرکت‌های دولتی در سال جاری یک واقعیت است.

اما موضوع فروش شرکت‌های دولتی دو جنبه



## کابینه روحانی و فاجعه خصوصی سازی

## بحران سیاسی عراق و ضرورت تغییر



هفته گذشته لااقل ۱۰ تن کشته و بیش از ۱۳۰ تن دیگر زخمی شدند. آخرین خبرها و گزارش‌ها حاکی است که در پی بند و بست مقتدا صدر با جمهوری اسلامی، روز یکشنبه ۶ بهمن ماه، نیروهای نظامی و پلیس به همراه شبه نظامیان با استفاده از گلوله‌های جنگی برای برچیدن چادرهای معترضان از میدانی شهرهای بزرگ اقدام نمودند که در نتیجه آن تعدادی از مردم در بغداد و ناصریه کشته و زخمی شدند. این اقدام وحشیانه نیروهای سرکوب رژیم عراق، خشم عمومی را برانگیخت و مردم عراق به خیابان‌ها ریختند و درگیری میان مردم و مزدوران حکومت ادامه دارد. گردان‌های حزب‌الله وابسته به جمهوری اسلامی با صدور بیانه‌ای خواستار شدیدترین اقدام نظامی علیه مردم معترض عراق شده‌اند.

اما چه چشم‌اندازی در برابر این جنبش و عراق قرار دارد. عراق با بحران‌های جدی مواجه است. بحران‌هایی که جامعه عراق را فراگرفته، عمیق تر از آن هستند که طبقه حاکم بتواند در برابر تغییر مقاومت کند. جنبش توده‌ای که اکنون چند ماه است در اغلب شهرهای عراق شکل گرفته است، صرفاً جنبش جوانانی که روزمره با رژیم حاکم درگیرند، نیست. یک جنبش عمیقاً ریشه‌دار و توده‌ای است. مردم شدیداً از وضعیت موجود به علل سیاسی و اقتصادی ناراضی‌اند. جنبشی را که در همه جای عراق ریشه دارد نه می‌شود به سادگی سرکوب کرد و نه مطالباتش را نا دیده گرفت. اگر طبقه حاکم عراق رهنمودهای جمهوری اسلامی ایران را برای به راه انداختن حمام خون در عراق و کنترل بحران از این طریق عملی می‌دید، بی تردید تا کنون آن را اجرا کرده بود. اما در عین حال راه حل اقتصادی و سیاسی هم ندارد. دست‌آورد ۱۶ ساله اقتصادی آن‌ها بحران عمیق اقتصادی، فقر و بیکاری گسترده، بدهی کلان است. در عین حال که سیستم فرقه‌ای آن‌ها با شکست مواجه شده است، جایگزینی برای آن نیز ندارند. دو ماه از استعفای المهدی سپری شده اما تضادهای آن‌ها به درجه‌ای است که نتوانسته‌اند بر سر یک نخست وزیر جدید، به توافق برسند و بدیل خود را در مقابل جنبش اعتراضی ارائه دهند. آن‌ها اکنون در میان مردم چنان بی‌پشتوانه‌اند که در انتخابات گذشته تنها ۲۰ درصد رای از صندوق‌ها درآوردند، آن هم با رسوایی تقلب. همین مناطقی که اکنون بیشترین اعتراضات در آن‌ها جاری است، زمانی پایگاه اسلام‌گرایان مرتجع شیعه بودند. اکنون اما تمام

دیگر نیز دارد که برای درک هر چه بهتر آن باید بر این واقعیت انگشت گذاشت که در میان تمامی کابینه‌های جمهوری اسلامی، کابینه روحانی بیش از هر کابینه دیگری اعتقاد به برنامه‌های اقتصادی نئولیبرال دارد. حسن روحانی بارها در سخنانش از این موضوع سخن گفته و حتا از واگذاری دانشگاه‌ها سخن گفته است. وی در مورد سازمان تامین اجتماعی نیز یک بار ضمن آن‌که تاکید کرد سازمان تامین اجتماعی باید شرکت‌های تحت‌کنترل خود را به فروش رساند، گفت: "حتا شده تامین اجتماعی شرکت‌های زیان ده را مجانی به بخش خصوصی بدهد". یکی از سیاست‌های بارز کابینه روحانی اجرای این سیاست‌ها با گشاده دستی بسیار در آموزش و پرورش و بهداشت و درمان است که صدای همگان را درآورده است. میزان گسترش خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش در طول این سال‌ها نه تنها در ایران بی‌سابقه بوده بلکه حتا در جهان نیز بسیار بیشتر از میانگین جهانی است. این در حالی‌ست که هم اکنون در بسیاری از کشورهای جهان علیه خصوصی‌سازی برخی از رشته‌ها همچون آموزش و پرورش، و بهداشت و درمان بخش‌های مختلفی از جامعه به مخالفت و مبارزه برخاسته و مقاومت‌های موثری را نیز سازمان داده‌اند. در ایران علی‌رغم مخالفت کارگران، معلمان، دانشجویان و سایر اقشار زحمت کش با خصوصی‌سازی، رژیم جمهوری اسلامی پی‌گیرانه به این سیاست ادامه داده است.

بنابراین با وجود این که گرایش به سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال در کابینه روحانی غلیظتر از دیگر کابینه‌ها بوده و هست، اما این کابینه در واگذاری شرکت‌های دولتی از کابینه احمدی‌نژاد به مراتب عقب‌تر است. علت آن را باید در عمق بحران اقتصادی دید که شرکت‌های خریدار را نیز با مشکل روبرو ساخته است.

بنابراین کابینه روحانی درصدد است تا شرکت‌های باقی مانده را با اختیارات ویژه به فروش برساند و در واقع چوب حراج به باقی مانده شرکت‌های دولتی بزند که البته تعداد آن‌ها هنوز بسیار زیاد است (حدود ۶۰۰ شرکت آماده واگذاری). این که در شرایط کنونی اقتصادی و سیاسی که رژیم بیش از پیش با خطر سرنگونی روبروست موفق به این کار بشود یا نه خود موضوع دیگری است، اما به هر حال این سیاستی‌ست که کابینه روحانی می‌خواهد در سال آینده پیش ببرد. این یک نکته است. نکته دیگر این است که چوب حراج زدن بر شرکت‌های دولتی نتیجه‌ای جز بدتر شدن وضعیت کارگران شاغل در این شرکت‌ها نخواهد داشت. این دو نتیجه‌گیری ثابت می‌کند که چرا مبارزه با خصوصی‌سازی اهمیتی حتا بیشتر از گذشته برای طبقه کارگر پیدا کرده است. خصوصی‌سازی بویژه با چوب حراج زدن بر شرکت‌ها نتیجه‌ای جز خانه‌خرابی کارگران شاغل در این شرکت‌ها ندارد و باید از هم اکنون

بسپج آن‌ها در همان ده‌ها هزار نفری خلاصه می‌شود که جمعه گذشته به صحنه آوردند. بنابراین نه می‌توانند با سرکوب بر اوضاع مسلط شوند و نه راه حلی برای بحران سیاسی دارند. از طرف دیگر، یکی از حامیان اصلی آن‌ها که جمهوری اسلامی ایران باشد، خودش در داخل با بحران‌های عمیق و همه جانبه مواجه است و در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی منفرد و شکست خورده است.

بنا براین با توجه به مجموع شرایط، به رغم مقاومت فرقه‌گرایان حاکم و جمهوری اسلامی ایران، جامعه عراق ناگزیر است تغییر را بپذیرد. اما دامنه این تغییر البته بعید است فراتر از یک رشته اقدامات بورژوا-دمکراتیک باشد. دلیل آن هم روشن است. نه طبقه کارگر قدرتمندی در راس جنبش است و نه یک حزب رادیکال کارگری. درست است که کمیته‌های هماهنگی اکنون تا حدودی رهبری این جنبش را در دست دارند، اما خواست اعلام شده این جنبش فعلاً از آنچه که گفته شد فراتر نرفته است. آنچه که تا کنون از سوی سخنگویان جنبش اعلام شده، حداکثر آن چیزی است که خواست این جنبش در لحظه کنونی است. البته از جنبشی که در پیشاپیش آن طبقه کارگر و یک رهبری پرولتری قرار ندارد، بیش از این نمی‌توان انتظار داشت. اما همین جنبش چنانچه بتواند سیستم سیاسی فرقه‌ای را براندازد، به دخالت آمریکا و جمهوری اسلامی در عراق پایان دهد و یک قانون اساسی مترقی داشته باشد که راه را بر مداخله توده‌ای در امور کشور بگشاید، خودش برای عراق پس از تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا، دخالت‌های جمهوری اسلامی و کشتار و ویرانی‌هایی که این دو دولت به بار آوردند، جنگ‌های فرقه‌ای شیعه و سنی و ظهور و نابودی داعش، یک پیروزی بزرگ خواهد بود.

به مبارزه با آن برخاست.

این موضوع نیز روشن است که با توجه به سیاست کابینه روحانی، کارگران کارخانه‌هایی که در اثر خصوصی‌سازی با بحران روبرو هستند همچون مجتمع هفت‌تپه، هپکو و آذرآب، باید دست به اقدامات عملی مشخص و فراتر از آنچه تاکنون داشته‌اند بزنند. یکی از اولین قدم‌ها در این مسیر اتحاد و هماهنگی بین تمامی

کارگران کارخانه‌های واگذار شده از طریق تشکلهایی‌ست که کارگران خود آن را سازمان داده و انتخاب کرده‌اند.



## کابینه روحانی و فاجعه خصوصی سازی در لایحه بودجه ۹۹

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 856 January 2019

تنها دو نمونه آن یکی عقب‌افتادن مکرر دستمزدهای کارگران و یکی دیگر نوع قراردادهای کاری کارگران است که عموماً به صورت قراردادهای کوتاه مدت موقت و پیمانی درآمده است.

بنابراین آنچه که در بودجه سال ۹۹ پیش‌بینی شده یک دهن‌کجی آشکار به طبقه کارگر است، به کارگرانی که با اعتصاب، تظاهرات و دیگر اشکال اعتراضی خود همچون بستن جاده‌ها و ریل قطار، به طور مداوم و مکرر خواستار خلع ید از کارفرمایانی شدند که کارخانه‌ها را به یک ویرانه تبدیل کرده‌اند. توهین آشکار به کارگران هفت‌تپه، فولاد، هیپکو، آذربایجان، کنتورسازی قزوین و ده‌ها و صدها کارخانه دیگر.

در صفحه ۸

خصوصی‌سازی‌ها به ضرر کارگران و زحمتکشان است. پاسخ به این سوال بسیار آسان است و دلیل آن به‌ویژه برای تمام کارگرانی که در طول این سال‌ها کارخانه‌ها، معادن و دیگر مراکز کاری‌شان به بخش خصوصی واگذار شده کاملاً روشن است. نتیجه سال‌ها خصوصی‌سازی در دولت جمهوری اسلامی تعطیلی و یا نیمه تعطیلی اغلب کارخانه‌های واگذار شده و در نتیجه بیکاری کارگران بوده است. از پاریس‌لون خرم‌آباد تا آونگان اراک، از مجتمع نیشکر هفت‌تپه و فولاد خوزستان تا هیپکو و آذربایجان. حتا در کارخانه‌ها و دیگر مراکز کارگری واگذار شده که همچنان فعال هستند، این نکته یک واقعیت مهم است که جدا از تعدیل نیروی کار، شرایط کاری کارگران شاغل نیز وخیم‌تر شده که



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی